



خیلواکی

استقلال

www.esteghlal.net

شنبه ۰۷ اکتوبر ۲۰۲۳

نویسنده: سید همایون شاه (عالمی)
ارسالی: سلیم سالم

زبان دری و مهد آن

قسمت اول

خاکهای بین آمو و سند پرورشگاه زبان های خانواده هند و ایرانی بوده به ترتیب زبان ویدی، زبان زند یا اویستایی، زبان پراگریت گندهاری، سانسکریت کلاسیک زبان پرتوی یا پهلوی یا رتی خراسانی، سغدی، اسکایی، تخاری، پهلوی ساسانی و شاخه های فرعی دسته های گلچه ئی پامیر و نورستانی که هنوز هم موجود اند، بوجود آمدند.

تبصره:

زبان های نورستانی به دوازده لهجه منقسم میگردند، اما زبان (کته) به عموم نورستانی ها قابل فهم است. در قدیم ها نورستان را به کته شرقی (ولسوالی های برگ متال و مُندل و نواحی کامدیش) و کته غربی نواحی (ولسوالی نورگرام و نواحی ننگراج) تقسیم شده و همیشه (پارون) حیثیت مرکز نورستان را داشت و حالا نیز پارون مرکز ولایت نورستان است ناگفته نماند که در ولسوالی نور گرام اکثر مردم به زبان پشه ئی صحبت میکنند.

انبساط زبان سغدی در دوره یفتلی و تماس مزید آن با پهلوی ساسانی و نتیجه ای تاثیر آن بر زبان دری مهم است.

۱: مهد زبان دری و انتشار آن از شرق به غرب

زبان دری که لهجه ای خاص تخارستان (قطغن و بدخشان و باختر)، کابل نیمروز و زابلستان (سیستان) غزنه و هری است، تاریخ چیزی کم دوهزار ساله دارد که در دوره های قبل از اسلام وجود داشته و در افغانستان امروزه به وجود آمده از اینجا ظهور کرد.

تبصره:

اکثر مناطق ایران امروزی نیز به دری صحبت مینمایند و نمیتوان از این حقیقت چشم پوشی کرد، چنانچه لهجه شیرازی ها شباهت خیلی نزدیک با هراتی ها و دری زبانان دارد و برای اثبات استدلال خویش به شما عرض کنم که در قدیم ها دری زبانان حروف (ب) و (واو) را تعویض مینمودند کلمات از قبیل (آب = او)، (مهتاب = مهتو)، (سبز = سوز)، (شب = شو) این تلفظ ها کاملاً در شیراز امروزی نیز معمول است. من قطعاً حاضر نیستم که زبان دری را فقط و فقط منحصر به وطن عزیز خودمان بدانم، بلکه اگر اوراق تاریخ را بگردانیم به وضوح مشاهده میکنیم که منطقه کاملاً تاریخ مشترک دارد و این مرز های که موجودیت آن ناشی از خود خواهی های سلاطین و سیاستمداران است، هرگز نمیتواند وجه مشترک فرهنگی و ادبی ما را با کشور های همجوار نابود سازد.

البته درست است که ما امروز در کشوری زندگی میکنیم که نامش افغانستان است و این وطن خویش و وطن داران خویش را از دل و جان دوست داریم، اما حس وطن دوستی ما نباید باعث شود که حقایق تاریخی را نادیده بگیریم، زیرا ضرب المثل معروف است که آفتاب را نمیتوان به دو انگشت پنهان کرد.

بر میگردیم به نگارش مرحوم ژوبل:

چنانچه نمونه های از طرز تلفظ دری در نواحی مرکزی افغانستان، تخارستان و سیستان هنوز متداول است و ساکنان شهر های غزنه، بلخ، زابل، کابل، بدخشان و هری سیستان و مرو بدان متکلم بوده اند و بدین طریق نخست زبان مردم خراسان، در بلخ و نیمروز بود و انتشار آن به نواحی غرب از شرق و نیمروز (سیستان افغانی) صورت گرفته است و باختر، نیمروز، زابلستان، کابلستان مبدا و پرورشگاه اولی آن به شمار میآید.

شباهت زیاد لغات دری به سغدی و پرتوی با پهلوی پارتی (خراسانی) که پارچه های از آن از خرابه های تورفان کشف شده، ساحت جغرافیایی سایر لهجه های مثل هروی، ساسکزی، زاولی (زابلی) در افغانستان و وجود لغات خاص و صاف دری در افغانستان و ماوراءالنهر و از تاثیر زبان های اسکایی و تخاری که در افغانستان معمول بود و تاثیرات متقابله ای سغدی و پهلوی ساسانی که در افغانستان به عمل آمده، تاثیری در زبان دری بخشیده است.

و بالاخره انتشار زبان دری از افغانستان به ایران چه در عصر ساسانی به حیث زبان دربار و چه بعد از قرن چهار هجری که به جای پهلوی، زبان علمی و ادبی آن کشور هم شد، همه میرساند و محکم ترین شواهد آن است که مهد زبان دری، افغانستان و بعد ماوراءالنهر است.

مبداء جغرافیایی و روشن شدن وجود زبان (پرتوی) یا پهلوی خراسانی و زبان سغدی و ظهور آثار ادبی این دو زبان و ثبوت قطعی نفوذ ادبی پرتوی بر پهلوی ساسانی و ارتباط محکم ادبی زبان دری با پرتوی سغدی و تشخیص لغات در دو زبان اخیرالذکر و وجود زبان دری در افغانستان معاصر زبان پهلوی در ایران و باز تاثیر زبان اسکایی، بخصوص تخاری در زبان دری دلایلی است که منشاء زبان دری به زبانهای پرتوی یا خراسانی و سغدی در بلخ، تخارستان، بخارا و سمرقند ارتباط حاصل میکنند.

و بعد تخاری و یا زبان کوشانی زبان دیگر همین نواحی است و یا تاثیر که در اصل ساختمان سغدی وارد کرد، در تشکیل زبان دری مدخلیت (دخالیت) و تاثیر مستقیم دارد.

برخی دری را مخفف تخاری هم گفته اند، بنا بر مبدا جغرافیایی و پرورشگاه نخستین زبان دری در قرن آغاز هجرت و وجود لغات دری در زبان سغدی که در پهلوی نیست منشاء زبان دری پرتوی و پهلوی پارتی خراسانی و سغدی است و پهلوی ساسانی و فرس هخامنشی نیست و زبان های پرتوی سغدی و تخاری در دو طرفه ای آمو باختر تخارستان و ماوراء النهر در طی چند قرن پیش از اسلام در ساختار زبان دری موثر بودند.

از صفات زبان دری حقیقی یکی عدم دخالت زبان عربی است که قرن ها پیش از ظهور زبان عربی در دیار ما ظهور نموده است. از سوی هم زبان دری پس از نابود شدن زبان پهلوی ساسانی به وجود نیامده که زاده آن گفته شود، بلکه پهلوی و دری دو زبانی است که موازی هم اولی در فارس و دومی در افغانستان و (ماوراءالنهر) به میان آمده، نشو و نما کرده به زمانه های معین از خاکهای مبداء در قلمرو دو مملکت پراکنده شده اند و عامل اساسی شباهت و ارتباط لغات این دو زبان به علاوه پیوند خانوادگی معاصر بودن و انتشار آن ها به خاکهای یکدیگر است.

سلامت و پختگی و روانی زبان دری در پهلوی مشهور است و مسلم است که دری یک دفعه و بدون سابقه در عصر صفاریان و سامانیان به وجود نیامده، بلکه سابقه ای چندین قرن داشته است که مراحل ابتدائی زبان دری تا قرن پنجم و چهارم حتی سوم مسیحی یا حد اقل دو نیم قرن قبل از عهد اسلامی پیش برده شده است که در قرون پیش از اسلام یا قرن اول و دوم هجری مرحله ای میانه ای را بین سغدی و پهلوی خراسانی دارا بوده است که رواج پهلوی ساسانی در خراسان نیز بر آن مؤثر بوده زیرا قدامت پهلوی ساسانی بر دری واضح است.

اما البته زبان دری سابقه ای داشت که در قرن چهارم هجری قوام و نضج گرفت سلاست و روانی و پختگی حتی برتر از پهلوی ساسانی دارا بود.

هر دو زبان در معرض هجوم زبان عربی قرار گرفتند، اما در نتیجه پهلوی در ایران بطور عام بعد از قرن سه و چهار هجری در نگارش از میان رفته و بعد از قرن هفتم در مغرب ایران نیز ناپدید شد.

در حالیکه زبان دری در خراسان (افغانستان) در همان جائیکه زبان پهلوی ساسانی زبان دوم بود و حرف زده میشد بنابر نفوذ زبان عربی رو به انکشاف گذاشت که تا قرن چهارم هجری زبان دری منحصر به افغانستان و ماوراءالنهر بود و به حیث یک زبان علمی و ادبی پخته و روان و سلیس آثار منثور و منظوم در آن نگاشته میشد که در این وقت ها در ایران معمول نبود و حتی یک شعر و یک رساله هم در این زبان مقارن این زمانه ها در آن مملکت دیده نشده است. اگر ساسانی ها نیز زبان دری را اتخاذ کرده باشند، تنها زبان دربار بوده، بین عوام رواج نداشته است.

در اواخر عصر سامانیان و اوایل دوره غزنویان بنابر فتوح سلاطین خراسان در ری و گرگان و اصفهان راه نفوس زبان دری افغانستان در خاک های همسایه غربی ما باز شد و بعد از قرن چهارم و پنج هجری به حیث زبان علمی و ادبی جای زبان پهلوی خراسانی را گرفت و به حیث زبان مردم تا هنوز در کردستان، لرستان، خوزستان، آذربایجان و طبرستان تقریباً بیگانه است. به تائید گفتار، از سفر نامه ناصر خسرو بلخی که از ولایت بلخ به سوی دیار مغرب مسافرت کرد و در نیمه ای قرن پنجم هجری نوشته، چند سطری نقل میکنیم:

((و در تبریز و قطران نام شاعری را دیدم شعری نیک میگفت، اما زبان فارسی نیکو نمیدانست پیش من آمد، دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و معنی که او را مشکل بود از من بپرسید به او گفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند...)).

زبان دری در ادوار قبل از اسلام موجود بود و تاریخ چیزی کم دوهزار ساله دارد.

قدیم ترین پارچه های منظوم و منثور دری که به دست است، در طی قرن چهارم هجری در افغانستان و ماوراءالنهر به میان آمده است و باختز و ماوراءالنهر و زابلستان مبدا و پرورشگاه اولی آن محسوب میشود.

قدیم ترین اشعار دری پس از اسلام نیز در خراسان و سیستان از طرف حنظله ای بادغیسی و محمد ابن وصیف سکزی و غیره گفته شده است و به ما رسیده به همین زبان فصیح دری است، و صفاریان سیستان و طاهریان هرات مشعل فروزان آن را به دست گرفتند.

نثر های دوره اول و دوره دوم:

نثر دور سامانیان و دور غزنوی و غوری مانند تاریخ طبری حدود العالم، تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، چهار مقاله عروضی و همچنین در نظم آثار نخستین شاعران بلخی و سیستانی پس از اسلام، شاهنامه دیقی بلخی، حدیقه سنائی غزنوی و مثنوی مولوی بلخی به همین زبان است. که این زبان در افغانستان به وجود آمد و از اینجا به اطراف و اکناف نشر شد و مهد زبان دری افغانستان است.

۲ - وجه تسمیه دری و اصطلاح وجه تسمیه دری این است :

الف - دری را منسوب به (دره) کوه دانند، مانند کبک دری که روستائیان در دره های کوه بدامان متکلم بودند و آن را زبان فصیح دانند که مخلوط به زبان دیگر نبود، در دره های بی آرایش و شسته حفظ شده و هم ممکن است به اعتبار خوشخوانی (چون کبک دری) به (دره) منسوب شده باشد که زبانی است خوش آهنگ و سهل المخرج.

ب - منسوب به (دربار) و (درگاه) است که به درگاه کیان و دربار ساسانی ها پیش از اسلام بدان تکلم میشد و تحریر میشد در زمان ساسانی ها (در) پایتخت و دربار را میگفتند.

ج - بنابر ارتباط خیلی قریب آن با زبان تخاری، دری را مخفف (تخار) نیز میدانند که تخاری نخست (تهری) بوده بعد (ت) و (ه) آواز (د) را افاده کرده (دری) شده است.

تبصره:

مردمان قدیم مناطق تخارستان و پار دریا حروف (ح) و یا (ه) را با حرف (خ) اشتباه تلفظ مینمودند چنانچه هنوز هم در بسیاری از مناطق افغانستان و ترکستان همین اشتباه صورت میگیرد مثلاً عوض (احمد) میگویند (احمد) و یا رحمت را رحمت تلفظ میکنند، چنانچه (پ) و (ف) را اشتباه تلفظ میکنند و این امر در مناطق دیگر هم صورت میگیرد.

گویند زمانیکه سیدارتا (بودا) از راه ترکستان می آمد، اولین معبدی را بنام (بهارا) در شهر بخارای امروزه ایجاد نمود و بعد از گذشتن از دریای آمو معبد دوم را در بلخ امروزی بنام (بهدی) تعمیر کرد که بالاخره در هند رفت و در آنجا نیز معبد (بهار) را در صوبه (بهار) که هنوز هم به همین نام مشهور است و بودا در آنجا فوت کرد، بنا نمود و این هر دو (بخارا و بلخ) مسمی به معابد بودا است زیرا مردمان این سرزمین ها عوض (بهارا) بخارا تلفظ کردند و عوض (بهدی) بخدی و بعد ها به بلخ تبدیل شده، البته این ها همه نظریات است، شواهد تاریخی در دست نیست. (عالمی)

اصطلاح دری:

ادامه دار...